

آیا افزایش جمعیت عامل

رشد اقتصادی است؟

در این مقاله بایک بررسی دقیق و مستند، اثرات افزایش جمعیت روی «رشد اقتصادی» مورد مطالعه قرار گرفته است و بی‌پایه بودن نظریه معروف «مالتوس» که از پیشروان مکتب «مبارزه با ازدیاد جمعیت» است تشریح شده و برای آنها که خواهان بحثهای آگاهانه و مستندی در این زمینه هستند ارزنده است.

برای رد نظریه جلوگیری از افزایش جمعیت اینجانب با اجازه از نویسنده کتاب «زندگی اقتصادی ایران» قسمتی از کتاب ایشان را که تحت عنوان : جمعیت ایران و رشد اقتصادی (۱) می‌باشد، مستقیماً می‌نویسم :

عامل جمعیت در زمینه رشد و توسعه اقتصادی از دودید «بدبینانه» و «خوش بینانه» مطالعه شده است. اینک نتایج مثبت و منفی افزایش جمعیت را برای اقتصاد علی‌الذین دو نظر مورد بررسی قرار می‌دهیم .

۱ - جمعیت به عنوان عامل بازدارنده رشد اقتصادی :

مالتوس (۲) از پیشروان معروف مکتب بدبینی است و افزایش جمعیت را بدلیل زیرممانع رشد اقتصادی می‌پندارد . (۳)

الف - شماره نفوس انسانی بنا بر تصاعد هندسی

۱ - صفحه ۲۶ تا ۲۲
۲ - کشیش و اقتصاددان انگلیسی
۳ - در حال حاضر آقای «مکنامارا» وزیر دفاع پیشین ایالات متحده و رئیس فعلی بانک جهانی از کسانی است که این نظریه را برای کشورهای در حال رشد توصیه می‌کند!

در نتیجه میل به مصرف را زیاد میکنند و پس انداز لازم برای تشکیل سرمایه صورت نمیگیرد .

ح - انفجار جمعیت ؛ بخصوص در اقتصادهای روستا ، می تواند رشد اقتصادی را زائل کند و دشواری های فراوان فراهم آورد .

خ - فشار جمعیت ممکن است موجب وابستگی اقتصاد ملی نسبت به اقتصادهای پیشرفته و صنعتی گردد . چرا که برای تأمین احتیاجات نفوس روزافزون میزان واردات ناگزیر افزایش مییابد .

د - فشار جمعیت مسأله سرمایه گذاری جمعیتی را پیش میکشد بدین معنی که اگر بخواهیم دست کم سطح زندگی و شرایط کار و رفاه موجود را برای نوسیدگان نیز نگهداریم لازم است برای تهیه مسکن ؛ تهیه ابزار تولید ؛ ساخت تجهیزات جمعی نظیر بندر ، راه ، مدرسه ؛ بیمارستان و کالاهای بادوام اقدام به سرمایه گذاری های عظیم کنیم . هر گاه حالت انفجاری چنان شدید باشد که بیشترین بخش از درآمد ملی به تهیه نیازمندیهای مصرفی تخصیص یابد دیگر پس انداز بمقدار کافی برای سرمایه گذاری در زمینه های تولیدی باقی نخواهد ماند . بعلاوه تحول در طرز زندگی و تغییر سلیقه ها و تحرك اجتماعی و نیز استهلاك سالانه و لزوم تجدید بنا و ساختمان مسکن جدید و هزینه پرورش افراد در زمینه های گوناگون علمی و عملی ؛ مشکلات را پیچیده تر میسازد .

بدینسان افزایش سریع جمعیت و از آن مهمتر تغییرات ناگهانی و پیاپی رشد تازه نفوس يك مملکت

یعنی (۱/۲/۴/۸/۱۶/۳۲/۰۰۰۰) افزایش مییابد .

ب - میزان تولیدات کشاورزی در مساعدترین شرایط نسبت به صنعت طبق تصاعد حسابی (۱/۲/۳/۴/۵/۰۰۰۰۰) روزافزون برای بقا و تمدن بشر خطری است عظیم . بر اساس این محاسبه هر ۲۵ سال شماره نفوس کره خاکی دو برابر می گردد . در نتیجه جمعیت دنیا در سال ۲۰۴۴ میلادی به چهار برابر تعداد کنونی (۱۳۵۰) یعنی پانزده میلیارد بن خواهد رسید .

پ - مالتوس چنین باور داشت که بیماریهای واگیردار ، قحطی ، جنگ ، و آفات عمومی یا تداوم بارداری و جبر و فشار اخلاقی از رشد طبیعی جمعیت جلوگیری خواهد کرد .

ت - در تأیید نظریات بالا ، مسأله محدودیت زمین و فرصت های سرمایه گذاری و نیز قانون بازده های نزولی مطرح گردیده است ؛ فشار جمعیت ، تنگناهای عوام تولید را پدید می آورد .

ث - فشار جمعیت متضمن ازدیاد ارزش نسبی کالاهائی است که تولید آن ها غیر قابل توسعه است و در نتیجه نایابی بهره نامکتسب ظاهر میگردد .

ج - رشد جمعیت میزان مخارج دولت را بالا میبرد و ممکن است ظرفیت تولیدی کشور نتواند پایه پای ازدیاد مصارف افزایش یابد و فشارهای تورمی پدید آید و جریان رشد قطع گردد . سنگینی این بار هنگامی بیشتر احساس می شود که جمعیت کل به آهنگی تندتر از جمعیت فعال زیاد شود .

چ - فشار جمعیت بر آباد خانواده میافزاید و

۲ - جمعیت به عنوان عامل رشد اقتصادی .

اصول جمعیت که به اختصار مذکور افتاد در مکتب خوش بینان و اکنش‌هایی برانگیخت : برخی به حالت سکون اقتصادی ، بر اثر وقفه در تراکم سرمایه و ترقی فنی ؛ به منزله غایت مطلوب نگریستند (۱) ، پاره‌ای از دانشمندان اقتصاد این دید را ضد سوسیالیست دانستند . مکتب بدبینی ، در واقع ، بدبختی افراد جامعه را در فزونی جمعیت می‌بیند و استثمار کارگران را پرده پوشی می‌کند . (۲)

اصول جمعیت مالتوس ؛ در اساس ؛ برای مقابله با اندیشه های حاکم در آن روزگاران و بدین مضمون تدوین گردیده است که **نگون بختی و فقر انسان ها ناشی از بنیادهای اجتماعی و اقتصادی و سازمان‌های نامناسب حکومت و بی‌لیاقتی دولت یا حیف و میل منابع نبوده ، بلکه بدین علت است که احساسات و تمایلات انسانی عقلانی نیست و امکان طبیعی افزایش تولیدات نیز به قدر کافی وجود ندارد .**

اخلاق و مذهب نیز به راه حل‌های مکتب بدبینان روی خوش نشان نداده است . بعلاوه آهنگ رشد جمعیت چنانکه مالتوس و پیروان وی ادعا می‌نمایند «نمایی» نیست و به اثبات رسیده است که سختی آن «لژتیک» است یعنی در آغاز روند «نمایی»

مانع سخت در برابر کوشش‌هایی است که برای ترقی سطح زندگی افراد به ویژه مردم کشورهای روبه رشد به عمل می‌آید . امکانات آموزشی ؛ و بهداشتی و تأسیسات نوین اجتماعی ، خوراک ، پوشاک و مسکن و زندگی بهتر برای نفوس روز افزون به دشواری فراهم می‌گردد .

این مکتب نکات زیور را خاطر نشان می‌سازد .

- (۱) لازم است از اجرای سیاست مبتنی بر حمایت اجتماعی که در ادوار گذشته «قانون درباره فقرا» نامیده می‌شد و امروزه بنام «بیمه یا تأمین اجتماعی» یاد می‌گردد خودداری شود . این نظامات بدنبال افزایش درآمد افراد مشمول کمک مادی فقط افزایش تعداد موالید را تشویق می‌نمایند بی آنکه حجم وسایل معیشت را زیاد کنند .
- (۲) مهاجرت عواقب زیان بارانفجار جمعیت را از بین نمی‌برد و تنها این مسأله پیچیده را در زمان و مکان جا به جا می‌کند .
- (۳) این مکتب ، سرانجام ؛ راه حل جبر و فشار اخلاقی ، یعنی محدودیت داوطلبانه موالید را پیشنهاد می‌کند و در این کار هم نیکبختی و هم تقوی و هم آگاهی برمسئولیت افراد در تنظیم ابعاد خانواده و ارضاء خاطر خداوند را می‌بیند . «مالتوس» بنیاد گذار بر نامه گزاری خانواده و یا باصطلاح امروزی «بهداشت و تنظیم خانواده» بوده است .

۱ - استوارت میل

۲ - روسی و دونوآ

شیمیائی؛ مبارزه مؤثر بر ضد آفات نباتی، اصلاح بذر، نه تنها بر میزان بهره‌وری زمین می‌افزاید بلکه بهره‌گیری از پنج‌هکتار زمین سرانه، دنیا به فراوانی محصول و رفاه بیشتر می‌انجامد. در حال حاضر فقط در حدود نیم‌هکتار زمین سرانه مورد استفاده قرار گرفته است بنابراین برای توسعه فعالیت در بخش کشاورزی میدان وسیعی پیش پای قرار دارد.

وانگهی بموازات رشد اقتصادی و صنعتی شدن، شماره افراد فعال در بخش کشاورزی کاهش می‌یابد و تقاضا برای زمین موجود نیز کاستی می‌گیرد و تنگنای این عامل تولید، بر طرف می‌گردد. بدین-سان تولیدات حاصله از زراعت ۵ هکتار زمین ظرف سال برای تهیه مواد غذایی یک فرد انسان مفهوم گرسنگی را بکلی از میان می‌برد.

نکات زیر اهمیت نقش جمعیت را به عنوان عامل رشد اقتصادی بیشتر نمایان می‌سازد:

الف - فشار جمعیت ابتکار و نوآوری‌های فنی را سهولت می‌بخشد و بازدهها را زیاد میکند و تولید کثیر را امکان پذیر می‌گرداند.

ب - فشار جمعیت قدرت فردی و جمعی برای رفع نیازها می‌آفریند، و تحریک اجتماعی و تنوع اقتصادی به بار می‌آورد.

پ - فشار جمعیت ضرورت کوشش بیشتر و ترقی نرخ پس انداز را محسوس میکند و این امر سرمایه-

درد ولسی به نقطه عطف می‌رسد و بسوی وضع حد متمایل می‌گردد. بنا بر این سیر تصاعدی جمعیت و وسایل معیشت چنانکه «مالتوس» توضیح داده، اشتباه است زیرا اگر یک خانواده تنها در این مسیر رشد یابد تعداد آن پس از هشتصد سال به دو میلیارد خواهد رسید. (۱) و تاریخ بشر نادرستی این طرز محاسبه را ثابت کرده است.

بعلاوه ترقی فنی، مسأله بازده‌های نزولی و تهیه مواد غذایی را به طرز محسوس مطلوب حل خواهد داد (۲). اصول جمعیت «مالتوس» بر فرضیه ثبات وحد مزد استوار است بدین معنی که مقدار مزد معلوم و محدود است. هر قدر شماره نفوس افزایش یابد حصه سرانه به نام دستمزد کارگر کاهش می‌پذیرد و سطح رفاه فرود می‌آید. اعتبار این نظریه نیز بکلی از میان رفته است.

* * *

برخی از مصلحین اجتماعی و اقتصاددانان نیز آثار ناگوار ناشی از افزایش جمعیت را به ویژه به طرز عمل نظام سرمایه‌داری آزاد وابسته میدانند. ازدیاد سرمایه ثابت به زبان سرمایه متغیر، استفاده از شیوه‌های «کار اندوز» و «سرمایه بر» به بهای بیکاری هزاران کارگر تمام می‌شود و چنین است که سیمای دنیای آینده زشت و وحشتناک می‌گردد. هر گاه مسأله محدودیت زمین را نیز موشکافانه‌تر بررسی کنیم آن را به گونه دیگر می‌یابیم، زیرا شیوه‌های نوین کشاورزی، استعمال کودهای

۱ - سی‌موندی

۲ - فوریه

ترکیبات گوناگون عوامل تولید به دست می‌آید . چنانکه در اوراقهای روبره توسعه ، این جانیشینی بیشتر توجیه می‌شود و در فعالیت های اقتصادی که به سرمایه گذاری های هنگفت نیازمند است ، معمولاً عامل کار می‌تواند به جای سرمایه در تراز پرداخت ها و بی‌نیازی نسبی از واردات کالاهای خارجی مستقیم یا نامستقیم مؤثر افتد . باید توجه داشت که استفاده بیشتر از عامل کار به جای سرمایه هنگامی به نتیجه ارزنده میرسد که عواقب این جایگزینی در یک برنامه کلی توسعه ملی ، مورد بررسی قرار گیرد . لازم است شرایط فنی ، آماده گردد و وسایل مالی و انسانی نیز ؛ در اختیار باشد .

د - رشد جمعیت ، افراد جامعه را و امیدار د تا از حالت سستی و بی‌حسی برون آیند ، برای رسیدن به سطح زندگی بالاتر و رفاه بیشتر به و کوشش تازه بر خیزند و کیفیات تخیل و سازمانی که در جریان این تلاش‌ها پدیدار می‌رود ، کمک به حفظ سطوح زندگی موجود در برابر فشار جمعیت میکند .

ذ - رشد جمعیت با تسهیل سرمایه گذاری ها و ایجاد اشتغال و افزایش انعطاف پذیری و قابلیت انطباق و استعداد تحرك نیروی کار میتواند رشد اقتصادی را تحريك کند . تحول جمعیت در این سیر ؛ گاهی همراه با بهره‌گیری از سرزمین های بکرو تاز و بنیاد نهادن شهرها و اشاعه تمدن و فرهنگ نوین است .

ر - رشد جمعیت با سرانه هزینه عمومی را سبک تر میسازد .

بنابراین در کشوری که منابع طبیعی فراوان و بهره برداری از آن ها سود آور و ترکیب عوامل

گذاری را با توجه به امکان تغییر نسبت میان عوامل تولید برای ساخت کالاهای سرمایه ای و مصرفی ممکن میسازد .

ت - فشار جمعیت در بخش های مختلف تولیدی آثار متفاوت بجای میگذارد و تمایل به تخصص را شدت می بخشد و صنایعی مانند فولادریزی ، حمل و نقل ، گاز و برق را از بازارهای وسیع و یکپارچه ملی ، برخوردار میکند .

ث - تجمع و تمرکز انبوه جمعیت در بعضی نقاط مناسب ، صرفه جویی های خارجی به سود بینگانه های اقتصادی محلی پدید میآورد .

ج - رشد جمعیت بدو گونه برو سمت بازار میآفریند . یکی مستقیم بدین معنی که بر اثر افزایش تقاضای کل ، میل به سرمایه گذاری زیاد میشود و دیگر از راه نامستقیم بدین مضمون که میل به مصرف را بر میانگیزد و در نتیجه ضریب فزاینده سرمایه گذاری را به کار میاندازد .

چ - بر اثر رشد جمعیت تولید آن کالاها که به سبب وسعت ناچیز و محدود بازار تا آن زمان سود بخش نبوده است مقرون به صرفه میگردد و ساخته و به بازار ریخته می‌شود .

ح - رشد جمعیت پس از توسعه بازار داخلی امکانات افزایش صادرات را فراهم میسازد .

خ - افزایش جمعیت کمیابی نسبی بعضی از عوامل تولید را تعدیل مینماید . عامل کار بعنوان مهمترین عنصر مؤثر در جریان تولید و فعالیت های اقتصادی فراوان می‌شود و می‌تواند بجای عامل کمیاب سرمایه ، بنشیند . صلاح و صرفه در اقدام به این جانیشینی از محاسبه اقتصادی درباره سودآوری

آینده روشن ملت بشمار میرود .

پرواضح است که این ندای وحشت‌نا از افق کشورهای پیشرفته بر می‌خیزد و در ذهن ملت‌های روبرو توسعه می‌نشیند . غرض آن است که با تقلیل یا تثبیت شماره نفوس دایره خواسته‌های ما را نسبت به حقوق مشروع خود از ثروت ملی محدود سازند . چه هر چه شماره انسان‌ها بیشتر باشد نیروها افزون‌تر و صداهای حق طلبانه برطنین‌تر می‌گردد .

در پایان از تذکر این نکته ناگزیریم که اخیراً در فرانسه سخن از آزادی سقط جنین می‌باشد . برای آشنائی با علل اجتماعی این پدیده ، با تعدادی از فرانسویان تماس گرفته و نظرشان را در این باره خواستم . تقریباً اکثریت قریب با توافق بر این عقیده می‌باشند که : لزوم آزادی این عمل صرفاً معلول اشاعه بی‌حد فساد در میان جامعه فرانسوی و بخصوص نسل جوان می‌باشد . با توجه باینکه در صد رشد جمعیت فرانسه در سال ۱۹۷۲ از حد معمول کمتر بوده است و این باعث نگرانی مقامات فرانسوی گردیده است ، معلوم می‌شود که آزادی سقط جنین در جوامعی چون فرانسه بهیچ وجه برای جلوگیری از ازدیاد نفوس نمی‌باشد . وحتى لازم به تذکر است که دولت فرانسه برای خانواده‌هایی که دارای بیش از دو فرزند می‌باشند تسهیلات قابل توجهی از قبیل کاهش قیمت بلیط قطار و هم چنین کمک‌های نقدی قابل توجه در نظر گرفته است . اهمیت این کمکها بحدی است که خانواده‌هایی که دارای وضع مالی خوبی نمی‌باشند و دو فرزند دارند ، دارای فرزند سومی می‌شوند تا بتوانند از این مزایا استفاده نمایند .

تولید نیز به طرز منطقی و با استفاده از پیشرفته‌ترین شیوه‌های فنی امکان‌پذیر باشد افزایش جمعیت ، عامل رشد سریع اقتصادی ؛ تواند بود به شرط آن که اراده قوی بر تحقق این اندیشه قرار گیرد و کوشش‌های مؤثر و جدی به عمل آید . این نیروی خلاقه و استعداد شکوفان انسانهاست که دل سنگ را می‌شکافد و از ژرفای زمین مواد اولیه ضروری را برای فعالیت‌های تولیدی و ساخت کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی را بیرون می‌کشد و سطح زندگی را بالا می‌برد .

* * *

امید است دلایل منطقی مذکور در این مقاله بقدر کافی برای روشن شدن اذهان در مورد منافع افزایش جمعیت مفید بوده باشد زیرا مسأله تعدیل تعداد موالید را از دید اقتصادی که مهمترین تکیه‌گاه موافقین سقط جنین می‌باشد مورد بررسی قرار داده است .

هم چنین شایسته است توجه کنیم که ایران دارای اراضی زراعی قابل کشت بمساحت در حدود ۱۷ میلیون هکتار می‌باشد و تاکنون مساحت زراعت آبی کشور بیش از ۲/۶ میلیون هکتار (یعنی تقریباً $\frac{1}{8}$) نیست ، ولذا با افزایش استفاده از منابع آب موجود می‌توان امکانات زندگی برای چندین برابر جمعیت کنونی ایران را فراهم نمود .

وانگهی ده درصد آهنگ رشد سالانه در برابر ۳ تا ۲/۶ درصد نرخ رشد جمعیت جای نگرانی باقی نمی‌گذارد و این خیال که افزایش شماره نفوس به آهنگ تند کنونی ما به قهقرای اقتصادی است ؛ اندیشه‌ای بدبینانه و ناروان نسبت به